

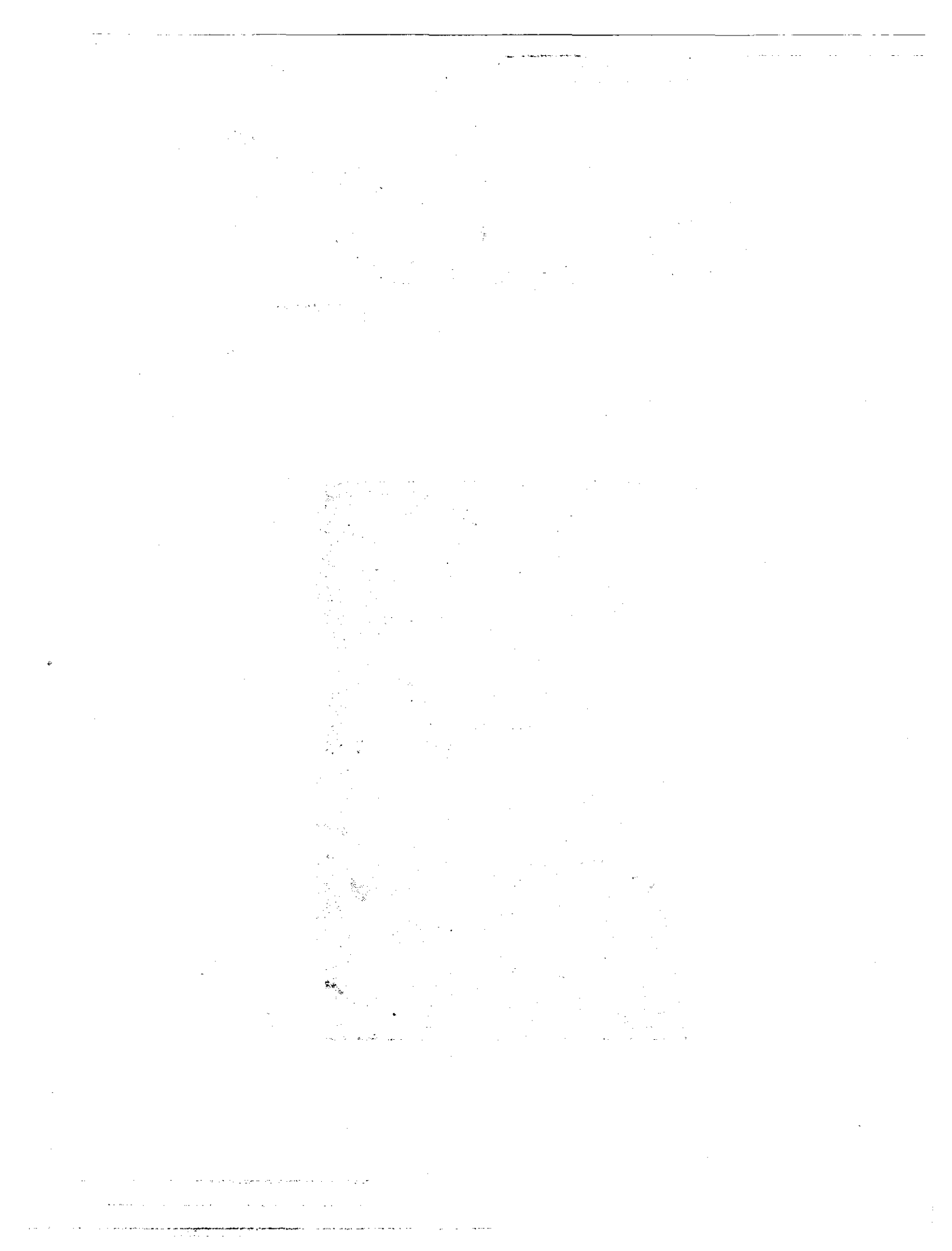
---

---

---

عبدالرحمن





سال اول	اول شهر النور	۱۵ خرداد ۱۳۲۵	۰۳ تاریخ بدیع	شماره نهم
---------	---------------	---------------	---------------	-----------

آهنگ بدیع قبل از انتشار به تصویب محفل مقدس روحانی طهران می‌رسد

مجله آهنگ بدیع	احتیاج بمجموعهها	نجم یا ختروخورشید	خاورد ارداز -	خوانندگان کسه	مجموعه های مذکور	راداشته وحاضر	یاهداه یا فروشش
آهنگ بدیع	از انتشارات کسبون نشریه لجنه جوانان بهائی طهران	سالنامه	ده ماهه	پنج ماهه	آدرس مجله	حضرتة القدس ملی صندوق مکاتبات آهنگ بدیع جنب	درب ورودی مجمع جوانان
مربوط بسایفان*	وجه اشتراک	۹ شماره	۱۰ شماره	۵ شماره	۱۷۰ ریال	۹۰ ریال	۴۵ ریال
در این شماره	بعلت تراکم اخبار	و مطالب از درج	جوابهای مسابقات	شماره ۵ و ۶ و ۷	خودداری شد		

باشند متمنی است بد فتر مجله واتعهد رحضرتة القدس رجوع فرمایند . در شماره بعد درج خواهیم کرد .

(( آهنگ بدیع و خوانندگان ))

**تشکر**

از محترمه خانم مصباح و آقای حق نظر اسمعیل - زادگان که هریک به ترتیب ۲۶ و ۳ جلد نجم یا خترو و مجلات دیگر امری که بین اند از ه مورد لزیم آهنگ بدیع است پرایگان ارسال فرموده اند تشکر مینمائیم و موفقیتشانرا از آستان قدس الهی خواهانیم . و امید داریم که دیگر دوستان عزیز نیز از اینگونه مساعدت و مجاهدت ها که سبب استحکام بنیان این مشروع جدید التاسیس خواهد بود در پیغم نغرمایند .

**جائزه مسابقه**

لجنه تعلیم زبان يك جلد گنجینه احكام است .

۱- آقای فریدون ک . شاهرخ از خوانندگان بدیع آهنگ بدیع قطعاتی چند از اشعار خود را بانضمام يك جدول "آهنگ بدیع" برای ما ارسال داشته اند بدین وسیله از زحمات ایشان تشکر میکنم .  
 ۲- آقایان نصرالله رستگار - منوچهر حمدانی غلام الله صفائی پور - پرویز آگاه - احمد انصاری ( تسکین ) - امان الله طائفی کرمانشاهی - رهبر آگاه ( آرشیراز ) - پرویز مجیدی - حق نظر اسمعیل زادگان مقالات و اشعار و مطالب متنوعه ارسال داشته اند که بینهایت موجب تشکر و تقدیر است .

تک شماره ده ریال است

## فهرست مندرجات

۱- سینما و اطفال	صفحه ۲ و ۳ و ۴ و ۵	بقلم آقای علی اکبر فروتن
۲- تفحات مشکبار	صفحه ۷	-
۳- شرح حال جناب نعیم	صفحه ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱	بقلم آقای محسن نعیمی (د بیور) مؤید
۴- ادبیات - سئوال و جواب	۱۳	ازغزلیا تن آقای عباس طاهری
۵- مشهورات ما (اخیار)	۱۲	-
۶- سلح یا مقصد آهن بها	۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸	بقلم آقای سیروس ارجمند
۷- برای کودکان	۱۶	ترجمه و نگارش عزت الله زهرائی
۸- نهنگ آتشی	۲۱ و ۲۰	بقلم آقای اشراق خاوری
۹- اتیاع البها، یحتفلون بالعبد الرضوان	۲۲	ترجمه از مطبوعات مصر
۱۰- مسایفات	۲۳	-

## شرح عکس روی جلد : منظره از گنبد مشرق الازکار امریکا .

شهرالاعظمین سنة الجاد ۰۳ تاریخ بدیع		تقوم آهنگ بدیع		من الواحد الا اول من کل شیئ الاول ۱۳۲۵	
ایام هفته عظمة	اردی بهشت	جمادی	مهم	تعطیلات	ایام
۱	۲۷	۱۵	۱۷	تعطیلات	جمعه
۱	۲۷	۱۵	۱۷	تعطیلات	جمعه
۲	۲۸	۱۶	۱۸	تعطیلات	شنبه
۳	۲۹	۱۷	۱۹	تعطیلات	شنبه
۴	۳۰	۱۸	۲۰	تعطیلات	شنبه
۵	۳۱	۱۹	۲۱	تعطیلات	شنبه
۶	۲۰	۲۰	۲۲	تعطیلات	شنبه
۷	۲	۲۱	۲۳	تعطیلات	شنبه
۸	۳	۲۲	۲۴	تعطیلات	شنبه
۹	۴	۲۳	۲۵	تعطیلات	شنبه



## سینما و اطفال

(( یقلم آقای علی اکبر فروتن دیلمه از مدرسه عالی بد اگوزی ))

بعد از کشف چاپ هیچ اختراع جدیدی بقدر سینما پشمر معارف و شاهه اطلاعات مفیده خدمت ننموده و بدون شك نام برادران لومیسیر که در اواخر قرن نوزدهم میلادی سینما را بوجود آورده اند باید بکمال احترام یاد شود.

سینما نه تنها بهترین وسیله تفریح نفوس بشمار میرود بلکه برای تفهیم مسائل معضله و تبیین حقائق تاریخیه بکودکان و نوریسیدگان و آشنا ساختن آنان با اوضاع جغرافیائی

قطعات مختلفه و نشان دادن وقایع و حوادث گذشته نیکوترین طریقه بوده و آموزگاران

در میان در مالک برافیه جهان از این اختراع بینهایت استفاده مینمایند و اطفال بکمال شوق و رغبت مایل

بتماشای فیلمهای سینمایی باشند مراتب میل و توجه کودکان و نوریسیدگان بدیدن سینما از ارقام ذیل واضح

مکشف میگردد در سنه ۱۹۱۲ روزانه ۱۳ هزار نفر تا سن ۱۳ سالگی بسینماهای شهر لیورپول انگلستان

میرفته اند و در سنه ۱۹۲۲ در شهر ادینبورگ شوتلند هر سالگرد بدرسه هفته دو بار بسینما میرفته است در

نیویورک بطور متوسط در شیان روزانه هزار طفل فیلمهای مختلف سینما را تماشا میکرده اند در بعضی

از یلاد آلمان ۷۵ درصد از اطفال مدارس ابتدائی در عرض سال بیست مرتبه بسینما میرفته اند و لکن سینما

همانطور که دارای منافع کثیره و محاسن عدیده است دارای مضرات شدید برای روح و جسم اطفال نیز بوده

و هست و از دیر زمانی آموزگاران و مربیان متوجه این موضوع بوده و برای جلوگیری از خطرات اخلاقی سینما

برای اطفال اقدامات گوناگون نموده اند منظور نگارنده از نوشتن این مقاله جلب توجه متصدیان محترم

امور و اولیاء اطفال بمخاطرات روحی سینما برای کودکان و نوریسیدگان است و بییقین قاضع اگر این مطلب

کاملاً مورد توجه دولت و والدین قرار نگیرد نسل جدید دچار مصائب گوناگون خواهد گردید.

خطر اول: یکی از مخاطرات اخلاقی سینما برای اطفال این است که آنان با تنها و یا با رفقای خود بسینما

میروند خیلی بندرت به معیت والدین خود فیلمهای سینما را تماشا میکنند دکتر لانگبیرک در شهر کلن از اطفال در این باب سئوالاتی نموده و جوابهای ذیل را شنیده است:

تنهایی	با رفقا	با برادر	با پدر و مادر	با پسران	با مادر	با خواهر
۶۵۳ نفر	۲۵۶ نفر	۱۹۰ نفر	۲ نفر	۱۰ نفر	۱ نفر	۱۴ نفر

از جدول فوق کاملا واضح و مستفاد میشود که انتخاب نوع فیلم یا خود اطفال است و بهر فیلمی که مایل باشند خواهند رفت و هیچگونه نظارتی در اینخصوص نمیتوان بعمل آورد .

خطراتی : خطر دوم اینست که اطفال مصارف سینما را در اینصورت باید خودشان تأمین نمایند و غالبا امر بسرت نیز منجر میشود .

خطر ثالث : خطر سوم این است که اطفال ساعات متعددی در سالون سینما بسر میبرند و غالبا دونوبت بلکه سه نوبت فیلم واحد را تماشا میکنند و در هوای ناسد بسر میبرند جدول ذیل بخوبی نشان میدهد که اطفال چند ساعت متوالی در یک نوبت در سینما بسر میبرند :

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	عده ساعت
۱	۱	۳	۷	۷	۲	۹	۳	عده اطفال

خطر رابع : خطر چهارم اینست که اطفال غالبا بلکه همیشه فیلمهایی توجه دارند که موضوع آن دزدی خیانت - جاسوس - پلیس - قتل - حکایات عشق و غرام باشد و نسبت علاقه اطفال بفیلمهای اخلاقی یا فیلمهای مزبور مانند نسبت ۱ به ۱۸ است .

دکتر شنبویبر خطرات سینما را برای اطفال بشرح ذیل خلاصه نموده :

اول - مضرات اخلاقی

الف - اطفال از دیدن فیلمهای نامناسب سطحی بارآمده و بتعمق و تدبیر عادت نمینمایند .

ب - تخیلات آنان رو بضعف نهاده و پیوسته از حرکات و اطوار و احساسات سائترین تقلید نموده و - شخصیت واقعی خود را متدرجا از دست میدهند .

ج - ذوق سلیم رو بفساد مینهد .

د - قوه تمیز و سرعت انتقال و منطبق روشن اطفال از اینگونه فیلمها از بین میرود .

دوم - مضرات اخلاقی

الف - شرم و حیا رو بزوال میگذارد .

ب - دروغگویی و پنهان کاری و عادت بتفریحات زائده مضره در اطفال تولید میشود .

ج - خشونت بر وجود آنان حکمرانی مینماید .

د - استعداد قابلیت تحریک بجنایات قوت میگیرد .

ه - میل بفحشاء و مسکروشدهد میشود .

سوم - مضرات صحی

الف - انواع چشم درد پنهان میآید . (۳)



و تفیذ واجرا میکنند .

چون در کشور مادنوز یاین موضوع مهم اساسی بذل توجه نگردیده و فیلمهایی که مناسب اطفال باشد نادر بلکه غیر موجود است یگانه راهی که برای حل مسئله تامو تعبیه د ولت مقرراتی در این باب وضع ننماید بنظر میرسد این است که اولیا محترم اطفال خویش را از رفتن بسینماهای فعلی ممنوع وبالحسن مؤثرو موذت آمیز مضرات این موضوع را تفهیم کنند ولیکن نتیجه مطلوبه وقتی حاصل خواهد کرد بد کسه دولت ما نیز مانند سائر دول عالم در این باب مقررات لازمه وضع نموده مراقب اجرای دقیق آن باشند تا صاحبان سینماها برای جلب منافع مادی روح و جسم هزارها طفل محصوم را که افراد عامل جامعه در آتیه اند مسموم نسازند .

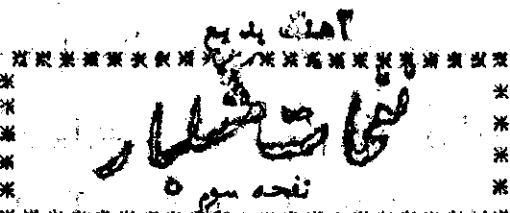
حضرت عبدالبها جل ثنائیه بصریح بیان مبارک اطفال را از ملاحظه تالیفات عشقیه که غالباً بلکه همیشه موضوع اکثر از فیلمهای سینماست منع میفرمایند بقوله تعالی و تقدس :

اجتناب از قرائت کتب طوائف مادیه ام طبیعیه و از حکایات و روایات عشقیه و تالیفات غرامیه . ( انتهی )

\*++++\*  
 نقل از کتاب      + نیکوکاری خالی از شائبه ریا +      \* خا طرات نه ساله \*  
 \*++++\*

در باره نیکوکاری و خوشرفتاری و ابراز مهریانی و خدمت بیع انسانی فرمایشات بسیار میفرمودند و مخصوصاً تاکید شدید این بود که ابراز محبت و اظهار خدمت وقتی مفید و مقبول و لایق شئون ایمانی است که منفی و سیر از شائبه ریا باشد والا اگر مقصود و منظور هم در ضمن ملحوظ شود ولو آن مقصود و منظور هر قدر فی حد ذاته مقبول و مقدس باشد باز هم این نیکوکاری آلوده بریا کاری است و فی سبیل الله محسوب نه و چندان تأثیری در عالم وجود ندارد مثل اینکه سطح نور و حرارت شمس و ریزش باران رحمت آلهی مشروط به هیچ شرطی نیست و منظوری در زمین نه و انسان بهائی یا بد مظهر این گونه رحمت های آلهی باشد . مانند شمس بر کل بتاید و بر هر سرزمینی فیض خود را نثار نماید . می بینید که رحمت و اسعه آلهی شامل حال جمیع ممکنات است و ایداً تبعیض نمیباشد اهل بهای ایابد مظهر اینگونه رحمت باشند چه اینکه مشروط بشرط و منظور نظری خوبی کنند پس این رحمت است که عالم وجود را تربیت میکند . این رحمت است که طبیعت را سبز و خرم مینماید من میخواهم که شما اهل بهای بچنین مودیت عظمی نائل شوید تا از برکت وجود شما این عالم ادنی جنت آلهی گردد لا اگر نظراً بملکوت آلهی معطوف کنید و فیضان باران رحمت آلهی را مشاهده نمائید که چگونه بر عاصی و مطیع یکسان نازل آنوقت میدانید که چگونه باید این رحمت آلهی باشید و در هنگام ریزش و عطا بهیج نیدی و بهیج شرطی قائل نشوید و لولاینکه آن قید هم آله باشد . مثلاً ملاحظه کنید هیچ نیتی و هیچ اقدامی بیلا توارز نیست تبلیغ و مقدس تر از هدایت نفوس نیست معذک اگر یکس خوبی کنید و منظور این باشد که باین وسیله او را بریائید و تبلیغ نمائید این ریاست . اگر یکس خدمت مینمائید این بارها هم در دل راه ندیدید تا خدمت و ملا طفت شما حقیقتاً آله باشد البته تأثیر آن بیشتر خواهد بود . شما هر قدر میتوانید ریا خوبی کنید و منتظر نتیجه هم نیاشید آنوقت است که عالم وجود از برکت خدمت شما آینه ملکوت آلهی گردد . ( انتهی )





و بیان آن شود که قد تطوی -  
الصحف یوم تطوی السماء کطسی  
السجل للکتب و اعلام کورجدید

\* \* \* \* \*  
ملا عباس و میرزا ابوالقاسم که  
دود امام میرزا محمد تقی بودند  
و میرزا محمد تقی فوت شده بود

گرد .

جمال میارک تفاهت مزاج داشتند حضرت قدوس  
شنیدند آمدند بعد ظاهر بخیر فرستاد که جمال میار  
یا بیایند یا بن یاغ یا من پیام جمال میارک فرمودند  
من میایم تو بیا آنروز ظاهره بی حجاب بیرون آمد  
از آن یاغ فریاد زنان این نفخه ناقور است ایسن  
نفخه صور است بعد آمد در یاغ میارک در چادر  
نشست جمال میارک امر فرمودند که سوره اذ وقعت  
را بخواند سوره الف و وقعت الواقعة راتا آخر خواند  
که قیامت برپا شد بعضی از احباب فرار کردند  
که هنوز فرار میکنند و بعضی ها مضطرب شدند  
حاجی ملا اسمعیل قس بود که حلقم خودش را  
پره از شدت اضطراب نعره میزد و بجانب قدوس  
گفت انا افضحکم من شمارا رموا میکم کورجدید  
اعلان شد بعد حاجی ملا اسمعیل ثابت شدند  
اعظم درجه نبوت و بد رجهای مشتقل شد که وصف

و آنان جانشین او بودند و در مجتهد دیگر جمیع

اقبال نمودند و همچنین بزرگان و طلبه آنجا روزی  
جمال میارک برخواستند که از مجلس بیرون روند این  
چهار مجتهد دیدند و کفش میارک را از یگدیگر میرو  
که یگذا آرند جمیع مردم حیران بودند ولی ملا محسد

یا فریادش بود که تفوق بر آن مجتهدین داشت و  
شهر تر مسن تهرود او حاضر نبود در کویایه مازندران  
بود چون خیر یافت شخص از علماملا حسن نام یا

جناب ملا عبد الفتاح شهید را فرستاد که بیایند مردم  
را متنبه کنند و از امر الممنحرف سازند تا کل مجتهد  
برخیزند و جمال میارک را از نور اخراج کنند از قضا  
اتفاقی وقتیکه جمال میارک تبلیغ میفرمودند این دو  
علماء حاضر شدند و بیان میارک را استماع کردند

نداشتند بعد از آنکه مجلس متفرق شد ملا  
حسن گفت من تکلیف خودم را نمیدانم که صحیبتی ندانم  
بجهت اینکه این بیان مرا حیران نمود ملا عبد الفتاح

گفت من تکلیف خودم را امید آنم که در اینجا برقرار بمانم  
تا هر روز این بیان شافی و کافی بشنوم باری ملا حسن  
مراجعت نزد ملا محمد نعود و بیان معذرت کرد که ما  
نتوانستیم کلمه ای تکلم کنیم در حضور ایشان باری بعد

از ایام چند ملا محمد آمد ولی بمقر بمجتهد میرزا  
محمد تقی رفت زیرا مرکز مجتهد آنجا بود و مدارس  
طلبه در آنجا داشت میرزا حسن نوری برادر میرزا آقا

خان صدراعظم مومن شده بود رفت بدین مجتهد  
کفایت را بیان کرد که تکلیف شما اینست که بیزودی یا  
جمال میارک ملاقات کنید تا حقیقت ظاهر و آشکار گردد

ملا محمد عذرخواست که ایشان در اینجا بودند و  
 من واردم باید ایشان ملاقات من بیایند باری -  
 میرزا حسن مراجعت کرد بحضور مبارک آمد عرض نمود  
 ملا محمد خیلی لازمست مومن و موافق شود چه که توجیه  
 عامفناس بلوست و با آنکه علم و مفهوم و زکوة تا جمیع فاس  
 بداند که این شخص عنود است و جحد و متکبر و متفرعن  
 تاحقیقت امر الله بر کل ثابت شود جمال مبارک فرمودند  
 این رای بسیار موافق لهداد هم نائس سوار شدند رو  
 بقره مجتهد و میرزا حسن اعلان بر جمهور نمود جم غفیر  
 عازم آن قریه شدند تا ببینند ملاقات جمال مبارک یا  
 مجتهد چندی جمع میشد جمال مبارک وارد بر مجتهد  
 شدند لکن خلق و رفقای خانمود رد مینجره بودند تا  
 ببینند چگونه میشود بعد از ورود و تعارفات رسمیه سه  
 مجتهد فرمودند جناب ملا محمد عرجند بدیدن شما  
 ۳ د مام ولی امر عظیم در میان و آن ظهور شخصی در  
 شهر از صاحبایات و بیانات و اعلان امر جدید است بدین  
 ۴ درم و واجبات که محض و تجسس نمائید تاحقیقت  
 و بطلان ظاهر گردد لهداد هر شب هر سئوالی که در آید  
 بفرمائید عرض کرد استخاره بکنم فرمودند استخاره بدین  
 امر است مجهول که خبر و شورش در معلوم نظر این معلوم است  
 که این قضیه یعنی صحبت داشتن در امر خبر محض است  
 زیرا از د و حال خارج نیست یا حقا است یا باطل بتفحص  
 و تجسس یا حقیقتش ثابت میشود و یا بطلانش و این اعظم  
 تکلیف است از برای شما بداند تاحقیقتا خبر جائز نیست

عرض کرد من خواهش دارم که مساعد بفرمائید استخاره -  
 بکنم چه که بدون استخاره ممکن نیست که صحبت بدین امر زیرا  
 اطمینان طلب من با استخاره است جمال مبارک سکوت -  
 فرمودند قرآن خواست و استخاره نمود بمجرد آنکه باز  
 کرد قرآنرا گفت بد آمد جمیع حاضرین خندیدند زیرا  
 قرآن را خود او خواند و نگذاشتد بقرآن هم ببینند -  
 واضح شد که این را وسیله نمود زیرا خود را عاجز میدید بدین بار  
 جم غفیری در آن صفحات مومن شدند ولی با امتحانات  
 شد بدافتادند بعضی از واقعہ قلع و معرزه میرزا احمد مستر  
 کج کس ماغ براد میرزا محمد تقی مجتهد که بعد از جمال  
 مبارک بود در طهران کاغذ مفصلی پانان نوشت که در  
 مجتهد براد رزاد ما بودند در مکتوب تهدید شد بدین  
 کرد که یاد شما صحیح شما را شرحه شرحه مینماید و اموا  
 تالان و تاراج و املاک غصب و تصرف مینماید و آنخانها  
 را ویران میکند و آن درود مانرا از ریشه برمیاند از د باری  
 این امتحانات سبب شد که بخوف شد بدافتادند از  
 شدت ترس بعضی برگشتند و بعضی مترنزل شدند و -  
 و بعضی ثابت و راسخ گشتند از جمله نفوس که در قریه  
 تا کور بودند و از اعظم و علمای قریه شمرده میشدند -  
 آنان کل ثابت و راسخ ماندند و اکثر روایع شامه -  
 شهید شدند اما ملا عزیز اللهموی جمال مبارک که  
 عالم قریه بود با وجود آنکه شامه بود بعد بنهادت  
 بفرمودند اوت برخاست و سبب شهادت جمعی شد  
 باری بعد از این و تا همیشه از ترنزل و ارتباب نفوس -  
 جمال مبارک سفر نیالا فرمودند بعد واقعہ قلع و معرزه  
 واقع شد از این واقعہ جمعی ترسیدند و سبب تهدید بد  
 میرزا احمد کج کس ماغ با امر الله محض گشتند

\* هو الله \*

\*\*\*\*\* لامعظروهنما و این را بدان که هر

پانعم عبد البهاء همواره در قلب

+ ترجمه حال جناب نعیم

+ نفس پس آن روح مجرد گیرد و

+ حاضری و در خواطری از یاد ت -

+ علیه رضوان الله

+ بتعلم و تدريس پردازد تا نيدات

+ فراغتى نه و از ذکرت فراموشى نيست

+ بقلم

+ متتابعاً متوالياً در رسد حتى خود

+ زیرا مؤمنى و سالک مسوقى و مهربان

+ آقای محسن نعیم (د. پورجو)

+ او حیران ماند و عليك البهاء الا بهي

+ ثابتي و نايب مطيعى و منقاد منجذب

+ بقیه از شمار نفیسیل

+ ع . ع

+ جمال ابهائى و متوجه بطلعت اعلى

+ حضرت نعیم پس از نزول این لوح

+ ناطقى بشنا و مبلغى بين النورى حضرت صد والصد

+ ضیع اطاعه لامره المطاع فبام بتدریس در محفل

+ روحى لرمسه الفداء تا سیم در رس تبلیغ نمودند و

+ در رس تبلیغ نمود و شصت نفر از جوانان مستعد احباً

+ پنهانیت همت سعی یلیغ فرمودند و در این گلشن

+ را مجتمع نموده در منزل خویش طریقه استدلال در

+ آهس نهالهای تازه پرورش دادند و لطافت و

+ اثبات امر مبارک آموخت و آنرا از اشارات نازل در

+ طراوت بی اندازه پخشیدند مرغان صامت راناطق

+ کتب مقدسه تورات و انجیل و قرآن و غیرها در -

+ کردند و طفلان پیخیر را میسر به جمال جلیل اکبر

+ خصوصاً ظهور کلیه آهس مجهز و مسلح فرمود و از

+ فرمودند این تاسیس تسلسل باید و این انوار بر

+ احادیث و اخبار وارد از طریق تسنن و تشیع راجع

+ قرون و اعصار بتاید حال آن روح پاک ملکوت -

+ بطلوع کوکب درى حضرت با به اشراق نیر اعظم

+ ابهس عروج نمود و آن و رقاءه پاک طیران کرد و آن

+ حضرت بهاء الله عز اسمها الاعلى مطلق و آگاه نمود

+ پروانه بحول سراج ملاه اعلى پرواز نمود لهذا -

+ و نیز برای نسوان و دانشمندان بهائى محفل در رس

+ محشر در ملاه ادنى خالی ماند عبد البهاء را

+ تبلیغ بسیار است و ایشانرا هم از این معین عذب -

+ آرزو و مقصد چنان که این تاج را بر سر تو گذاره

+ فوات سفایه و شرف ساخت حضرت نعیم از بدو

+ تا در محل آن بزرگوار نو جوانان را در رس تبلیغ

+ تمدیق یا امر مبارک الی یوم صعود خود پیوسته

+ دهید و حجت و برهان پیاموز - نمود لیل و آیات و

+ در جزئیات امور امریه بود و همواره سعی در نشر -

+ و اخبار بنما شی نور سعیدگان ملکوت ابهس را -

+ نفحات آلهیه و تشویق احبائه در اجرا تعالیم و

+ تربیت کنی و بیفرض ملاه اعلى نشو و نما پخش نشا

+ احکام بهائیه مینمود

+ این تعزیت منتهی شود و تهفیت جدید جلوه نشا

+ مصنفیات و مؤلفیات و آثار نعیم :-

+ و سبب تسلی قلب عبد البهاء گردد زیرا از مصیبت

+ مهمترین مصنفات حضرت نعیم همین کتاب -

+ حضرت صد والصدور بعد از مصیبت کبری بسیار

+ منظوم که با حسن التوفیق باجنته النعم موسوم است

+ متأثر شدم و این درد را در ملاه ادنى و این زخم را

+ میباشد و این کتاب حاوی دلائل نقلیه و عقلیه -

+ مرخص جزان نه که ملاحظه شود که جای آن -

+ و در او ای مسائل عالییه اخلاقیه و اجتماعیه و شامل

+ بزرگوار شخص استوار یافته و منفحه مشکبار مشام

حقایق سامیه، روحانیه و فلسفیه است و بگراستدلال  
 مختصر و جامع است که در سنه ۱۳۱۴ در رید  
 بر اعتراضات وارده حاجی میرزا حسن صفی‌علیشاه  
 نگاشت و چون آن استدلالیه از لحاظ انبوه مکرر  
 میثاق گذشت بشفرف قبول فائز گشت و در لوح مبارکی  
 که ذکر در نوشتن قسوس بر اسلام در زمان ناصر  
 سلطان محمد فاتح عثمانی تسطیظنیه را در آنست  
 اظهار رضایت از آن رتبه فرمود و بگررتبه مفصلی  
 بر مقدمه ناشر کتاب نقطه الکاف که بسیاری از نکات  
 صمیمه و دنائق نافع در آن مندرج شده و گبری  
 از حقایق مفیده تاریخیه در آن مسطور گشته یکی  
 از مسووفات او مجموعه ایست بنام نتیجه البیان  
 که آیات راجعه و مبشره بظهور حضرت بهاء الله  
 جل ذکره الاعلی را از کتاب مستطاب بیان استخراج  
 و در آن جمع نمود و بادن و اجازه محفل روحانی  
 طهران طبع و منتشر فرمود و بگر استدلالیه ایست  
 که در موقع تدریس درس تبلیغ بحضرات امام الرحمن  
 بقرآخور قوه و استعداد آنان مدون داشته و  
 بطبع ولاتینی مطبوع گشته و بگر جزوه ایست بالنسبه  
 مفصل که آنهم در موقع درس تبلیغ نگاشته و آنرا  
 مشحون از دلائل و براهین مثبتة امراهم داشته  
 و بگر از آثار گرانیه و نفیس حضرت نعم اشعار  
 صیفیه ایست که بنام بهاره اشعار یافته و در عالم  
 شعریت بتصدیق ارباب بصرو سخن سنجان  
 بصیرین نظیر است و بشهادت ایشان ایهامی افکار  
 شعرای متقدمین و سفاخرین از وصول بتذیق گنج رفیع  
 حلاوت و لطافت ان نصیرت بگر از اثر او نمید  
 نونیه است و ان نیز مشتمل است بر بسیاری از مطالب  
 عالیه و مزایا <sup>شعریه</sup> و این دو اثر اخیر در جزوه همین

کتاب بزبور طبع مزین گشته آنچه مذکور گشت از امهات  
 مصنفات و مؤلفات و آثار او محسوب است و الا راجع  
 بمواضع امریه و مسائل دینییه پس چیزهای سود مند  
 نوشته که هنوز مضبوط و مجتمع نگشته و البته بعدها  
 جمع و ضبط و نشر خواهد شد  
 اخلاق و صفات و کمالات نعیم

حضرت نعم فوق العاده بود یار و سلیم بود و پاکمال  
 تواضع و مهربانی با بار و اختیار سلوک میفرمود و مال و  
 ثروت و قس نمیگذاشت و در سبیل الهی از بذل و  
 ایثار بفر وسع و استطاعت خویش خود داری نداشت  
 در تمسک بد بابت بهائیه ایت عظمی بود و در عمل  
 بفرائض دینییه و اجرای اوامر الهیه مسامحه و ماطله  
 نمی نمود و پیوسته در ستانرا بر تثبیت بحیل امر  
 جمال قدم و توجه بقرع منشعب از اصل قدیم دلالت  
 و تشویق میکرد و همواره احیارا بسلوک در منهج قوم  
 تحریر و ترغیب میفرمود حضرت عبد البهاء ارواحنا  
 لرمسه الاظهر فدای دین یکی از الواحیکه یافتن از نعیم  
 عنایت فرموده ببلوغ و رشد او در امر مبارک شهادت  
 داده و هذاعین بیان الاحلی است در ظل کلمه  
 الهیه ببلوغ رسیدی و بر سر بر رشد استقرار یافتی،  
 حضرت نعیم در مسائل امریه حاضر جواب بود و  
 مطلب را در نهایت سادگی بیان می نمود میفرمود  
 روزی در راه یاد کتر سعید خان کرد ستانی که از  
 متعصبین متنفهین است اتفاق ملاقات افتاد بعد از  
 ادای مراسم معموله باو گفتم جناب د کتر سعید خان  
 ایا هیچ گمان میکنید که حضرت مسیح آمده باشد  
 فی الفور گفت ایدا گفتم پس بدانید که مسیح فرموده  
 من وقتی خواهم آمد که شما ایدا گمان نمیکنید و حال  
 چندی است که آمده است د کتر سعید خان از اجتماع

این بیان مبهوت و مند هوشورشان و متحیر شدن و پس از  
 اندکی تامل و سکوت خود احافظ کرد و رفت مرحوم نعیم  
 در مقابل خشونت و تعرض اعدا برعکس معامله مینمود  
 و نائزه خشم و غضب آنها را از اینراه خاموش و منطقی  
 میساخت میفرمود یومی از ایام حسب العاده از طریق  
 غیرستان سر تیر اقا عبور میکردم یکی از جمالیهای  
 سلطنتی که مرا به بهائیت می شناخت و زاید الوصف  
 در مذهب تشیع متعصب بود باحال سبعیت و شرارت  
 شدید گفت میخواهی پدرت را بسوزانم؟ من در  
 آن خونسردی و متیسمانه گفتم نه والله! این جواب  
 سبب شد که آتش غضب و غضب جمال بکلی فرونشست  
 راه خود را پیش گرفته و رفت اگرچه در ایام تحصیلات  
 حضرت نعیم چنانچه گفته شد چندان وسیع نبود  
 ولی از کثرت مداومت در تلاوت آیات الهیه و کتب  
 مقدسه و اخیار و احادیث و ممارشت در قرائت نوشتجات  
 حکما و فلاسفه و مطالعه کتب ادبیه و تاریخیه حکیمی  
 دانشمند و عالمی ارجمند گشت و آثارش صادق این  
 گفتار است جمیع خطوط مختلفه فارسی را خوب می  
 نوشت مخصوصا خط نسخ را که در آن صنعت از  
 اساتید بشمار میرفت .

از واج نعیم :-

پس از ورود حضرت نعیم بپهران وزیست چند مثال

ایمان و ایقان تحقیقات شایان حاصل نمود و بهترین  
 کمک و ظمیر حضرت نعیم در خدمت یا مرحس قد پسر  
 گردید و در اداره امور زندگانش زوج خویش صمیمانه  
 کوشش کرد .

صعود نعیم :-

حضرت نعیم پس از ۳۶ سال استظلال در ظل شجره  
 مبارکه ربانیه و اجتناب از ثمار جنیه بد بعد صد انبیه  
 هنگام طلوع فجر یوم سه شنبه نهم جمادی الاولی  
 ۱۳۳۴ در حالیکه از مراحل حیاتش ۶۱ سال و ۸  
 ماه و ۲۴ روز از سنین هجریه عمریه گذشته بود به  
 جهان بالا و عالم اعلا صعود نمود سه سال و کسری  
 بعد از قلم مبارک عهد و میثاق الهی حضرت عیسی  
 البها " روح الوجود لثراب رسمه الاظهر فدایا مناجا  
 طلب مغفرت در حق او صادر گشت و عینا باقتضای  
 محل تحریر میشود . مناجات طلب مغفرت بجهت  
 من استغفرک فی بحر اغفران فی عالم الانوار فی  
 ملکوت الرحمان اقامیرزا نعیم علیه بها و رضوان  
 " هو الله " اللهم یا من سیقت رحمته کل شیئی و  
 کلمت نعمته علی کل شئی وتمت حجته علی عباده  
 شاعت و راحت آیاته بین عباده و اختم بفضله من  
 شاء و کللی راسه با کللیل ساطع الجواهر علی الارحاء  
 و اضاء وجهه بنور اشرفیت به الارض و السماء یومئس

من یشاء ما یشاء انه لیس  
 اللطیف الودود رب رب  
 ان عبدک نعیم من امن  
 بالنور المبین و هدی السی  
 الصراط المستقیم و نادى  
 باسمک بین العالمین و رطل

\*++++\*  
 + شرح حال جامع یکی از مومنین اولیه امر +  
 + در غرب را که خدمات عظیمه امری در +  
 + اعلاى کلمه الله انجام داده است پس +  
 + اگر او برعکس و چنانچه مطلب بدیع دیگری +  
 + در شماره بعد +  
 + در حق خواهیم نمود +  
 \*++++\*

در حال مجرد و انفراد در ربیع  
 الثانی ۱۳۰۹ رقیه سلطان  
 نام از اهالی اصفهان را  
 حیاله نکاح خویش در آورد  
 و این محترمه چون بر عقل و  
 درایت و هوش و ذکاوت امتیاز  
 بسزا داشت رفته رفته در مراتب

وتل آياتك وبين بيناتك واظهر حججتك وبرها نلتو  
 نطق يا سمائك وصفاتك وزين المحافل بذكرك و  
 التنا عليك وانشاء قصائد في محامدك كاللؤلؤ  
 النظيم ود راليتهم وانشده في المحافل الكبرى -  
 متبها الى ملكوتك الابهى وكم من لضم اسمعت به  
 النداء وكم من ايكم وانطقت به بالثناء وكم من اكمه  
 ارتد يصيرا بما هده به الى طريقك المثلى وكم من  
 اموات احببتهم بنفسه الطاهر بيد الروح لاهل  
 الاصفاء . قد سمع نداء الرجوع الى ملكوتك الابهى  
 فارجع اليك متبها اليك رب انه كان صبيح الوجه  
 فصيح النطق بليغ المعاني سريع الفهم لطيف -  
 القلب قوى الحجة شد يد القوى في اعلاء كلمتك  
 بين الورى ولازان يتلاطم امواج البيان من فمه  
 الطاهر كالبحر الزاخر وبيت الاسرار على مسامع  
 الابرار ويتلو آياتك في الليل والنهار ويناجيك  
 بكتاب منجذب الى ملكوت الانوار رب انه كان له  
 ورد واحد وشغل شاغل يذكر على كل الاشياء  
 يهدى الناس الى سبيل الرشاد ويدعوهم الى  
 جمالك الموعود في كل الزمر والالواح فياثن ببرا<sup>هين</sup>  
 ساطعه ود لائل يالغه وحجة دامغه بنحم كل  
 مجادل ويصمت كل معاند ويمهد السبيل ويوضح  
 الدليل لكل ذى قلب السلم وقضى آياته نفس  
 القيام على عبوديتك وانتبهت انفسه وهومنشج  
 بهيوق انفس طيب رحمانيتك واشتاق الى لقا<sup>ئ</sup>  
 تمنى السعود الى جوارك والوفود عليك والوفود  
 لك بلك فطارر وجه بجناح الفلاح الى الرفرف  
 الاعلى وقد سدرة المنتهى حتى يتخذ ذكرا في  
 شجرة طوبى ويتزعم بنون الالحان على افنان -

دو حقايقنا ويستخرق في بحار الانوار ومشاهدة  
 العزيز الجبار ومكاشفة الا سرار ربنا هم عليه فيسخر  
 اللقا واسمح له بالمودبة الكبرى والنعمة العظمى  
 انك انت المعطى الكريم الصفوا الغفور الوهاب .  
 ٥ رجب ١٣٢٧ عبد البها عباس

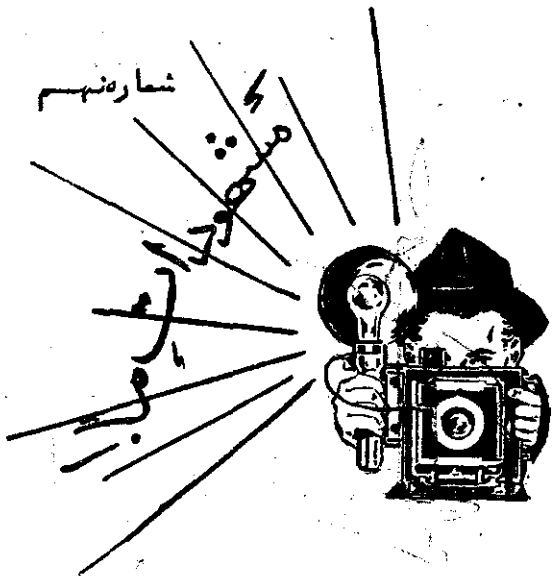
ابن مناجات كه بصرف اراده از سماه مكومت وعطاي  
 حضرت من طاف حوله الاسماء نازل كشت شاهد  
 متين وكواهي است مبین كه جميع مطالبى كه راجع  
 يخلوص نيت و صفای طینت و صدق طوبیت و جنان  
 فشائى و خد متگذارى مرحوم نعیم در سبیل امر  
 رب رحیم نگاشته شده نگارنده از طریق مبالغه  
 اغراق نرفته بلکه گفتنی هارا كمتراز آنچه بوده -  
 گفته است . ( انتهى )

مستدعى است اغلاط ذیل را تصحيح فرمائيد :  
 صفحه سطر ستون غلط صحیح

٨	١٥	١	ايك	ايك	بقا
١٠	١٩	١	نسخ	نسخ	
١٠	١٦	٢	بحراخفران	بحراخفران	بحراخفران
١٠	٢٨	٢	رطل	رطل	
١٩	٥	٢	دوان	دوان	روان
٢١	٩	١	هدفا	هدفا	عبدنا
٢٣	٢٤	١	مراة	مراة	
٢٣	٢٧	١	چندو	چندو	چند

صفحه ٢٠ ستون ٢ سطر ٨ ((بلال حيشى ٤))  
 عنوان فصل ٤ كتاب است

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX  
 X ككهاى نفدى و جنسى شما يكنا بخانسه X  
 X تكميلي سبب تكميل و توسيعه معلومات امرى - X  
 X جوانان تازه تسديد بق است X  
 XX



### آخرین احتفال سه ماهه لجنه جوانان

در سال ۱۰۲-۱۰۳ دیدیج

سومین احتفال سه ماهه تشکلات جوانان بهائى  
 طهران در روز جمعه ۱۸ / شهرالجمال ۱۰۳ دیدیج  
 مطابق ۲۷ / ۲ / ۲۵ ساعت ۶ بعد از ظهر در سالن  
 احتفالات حضرتعالقدس ملی با حضور ۵۰۰ نفر از  
 جوانان و نمایندگان محفل مقدس روحانی ملی و اعضاء  
 محفل روحانی طهران و نمایندگان لجنه‌های محلی  
 ولجنه محترمه ملی جوانان تشکیل گردید .

پس از مناجات شروع توسط نماینده لجنه جوانان  
 عملیات یکساله آنلجنه فرائت و توضیح شد و با وجود  
 اینکه هوای سالن شدت گرم بود همه حضار با  
 دقت و توجه زیاد تری را پرت را استماع مینمودند .  
 پس از فرائت راهپرت مقداری عکس از منظره گنبد مشرق  
 الاذکار امریکا بین حضار بعنوان یاد این جلسه  
 تقدیم گردید . نطمه زیبای آیه بی یاد یازگدشته  
 که توام با موسیقی بود بسمع حضار رسید و همچنین  
 اشعار شیوا و جالب آقای عزیزاد هراستان بسیار در  
 حضار تاثیر نمود ارکستر و سرود این جشن نیز  
 کاملاً دیدیج و بیسابقه بود . پس از تنفس نماینده  
 لجنه جوانان بیانات میسوحنی راجع بو وظائف عظیم  
 و خطیر جوانان بهائى و مسئولیتی را که امروز در  
 قبال جمامه امر را میباشند ایراد و متذکر شدند  
 که ما جوانان نباید بهمین قدمهای جزئی اکتفا کنیم  
 بلکه با وجود تمام معائب و مشکلات موجود باید  
 وظائف خطیره خود را اندوخته مورد نظر مولا ی توانا  
 حضرت ولی امرالعالی و احفانند اماست انجام دهیم .  
 پس از بیانات نماینده لجنه سنگم توزیع جوایز

کسیونها فرار مید هر چند که بهترین جایزه بود  
 برای جوانان بهائى کسب رضای مولا ی توانا حضرت  
 ولی امرالله میباشد و هیچگونه تشویق و پاداش نخوا  
 توانست اندکی آنانرا که بگانه هدف و آمالشان کسب  
 رضای مولا ی توانا و ایجاد نهضت و حرکت در جامعه  
 جوان میباشد قانع نماید و آنها را از اقدامات و مجهو  
 بیشتر باز دارد ولی لجنه جوانان برای اینکه بانواع  
 طرق ممکن از جوانان تقدیر نماید میادرت بتوزیع  
 جوایز نمود . در این معامه اکسیون لجنه جوانان  
 موفق باخذ جایزه شد و ببارد بگر کسبون مرکزی تبلیغ  
 موفق باخذ گلدان نقره گردید . پس از اهدا جوایز  
 نماینده محترم محفل روحانی طهران از اقدامات جوانان  
 تقدیر و آنانرا برای مجاهدت بیشتر تشویق نمودند  
 نماینده لجنه مجلطنسلی جوانان نیز از آمدن تکو تاه بیانات  
 ساد و پر معنی ایران نمودند . جلسه مزبور رسماً  
 ۱۰ بعد از ظهر با تلاوت مناجات خاتمه یافت .



چندی نبل جناب آقای منوچهرز بیج یناید ستور  
 مبارک حضرت ولی امرالله برای خدمات امریه بیج  
 ارویا حرکت کردند . موفقیت ایشانرا همواره راجع و

؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟  
 ؟ سؤال و جواب ؟  
 ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

آقای گیو خاوری سئوالاتی چند ارسال داشته اند  
 که جواب يك يك آنها ذیلا دیج میگردد :

س - مفهوم حریت مطلقه و معرّفی نرفته یا نرفته هائیکه  
 حریت مطلقه میخوانند .

ج - در الواح مبارکه هیچ طایفه و حزبی طالب حریت  
 مطلقه خطاب نشده است و در کتاب مستطاب اقدس

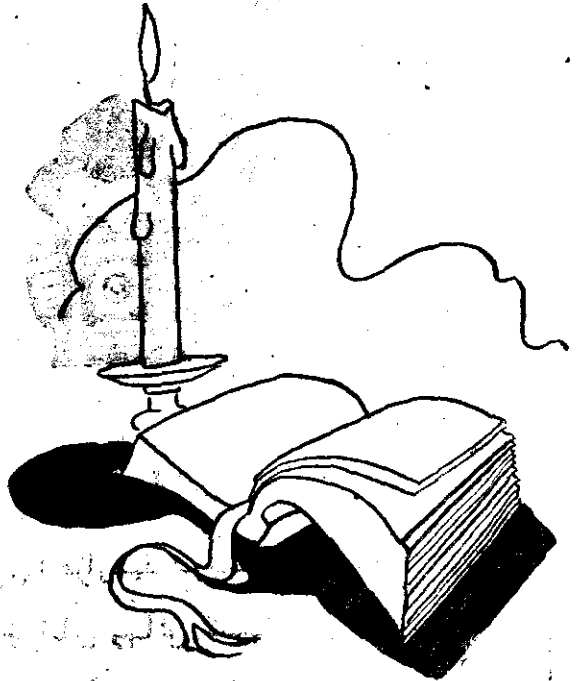
مظهر کمال حریت را حیوان ذکر میفرمایند  
 س - آیا بهائیان از طرف ولایت مآذون بطیغ و انتشا ر  
 کتب بهائی نیستند یا حضرت ولی امر الله و محفل مقدس  
 روحانی ملی اذن نمیدهند ؟

ج - بهائیان از طرف دولت مآذون بطیغ کتب خود  
 نیستند و حضرت ولی امر الله میفرمایند تا دولت اجازه  
 ندهد حق ائمه بطیغ برای احیانیت زیر امراعات  
 مقررات دولتی بر اهل بهالانم و واجب است

س - بیانات مبارکه راجع بنما روش شرط بندی ها چیست  
 ج - برای اطلاع از بیانات مبارکه راجع بنما روش شرط

بندی ها بکتاب گنجینه حد و احکام\* تالیف جناب  
 اشراق خاوری در ذیل فصل مربوط بیان مراجعه فرمائید  
 جواب بقیه سئوالات آقای خاوری و دیگر خوانندگان  
 را به ترتیب در شماره های بعدی دیج خواهیم کرد

-----  
 شد عبان سرقیامت که نهان بود ز خلق  
 در رقیام تو بود رقامت در لجوی تو بود  
 بی زروسیم و نشون فتح اذالمومنین  
 ای بهائیتی از نوت بازوی تسویب  
 ظاهری کیست که تادعوی عشق تو کند  
 عاشق آن بود که پرده ارشاد گوی تو بود



از غزلیات آفتاب عیسی طاهری

هر زمان راهزن دل خم گیسوی تو بود  
 سراپا با نظر از دل و جان گوی تو بود

آب حیوان دره پر خم و بیچ ظلمات  
 لب جان بخش تو بیچ و خم موی تو بود

نوجوانان را نقصان سوی منتقل بردن  
 رمزی از شهید نه ترکس چاندوی تو بود

آخرا ز تیغ تو ای دوست گلوشی تو کردی  
 هر که در دست وفاتش لب چوی تو بود

ناورا آنچه گلستان کرد از بهر خلیل  
 جلوه ای بود که از طلعت مینوی تو بود

موسس ارخواه شرب ارنس کرد بطور  
 ظورا و کوی تو و مقصد او روی تو بود

مرد ه رازنده گرانفاس مسیحا میگردد  
 مستمند از نجات خم گیسوی تو بود



اهدای بدیع  
صلح  
یا مقصد اهل  
بهباء

(۲)

یکی نظریه طرفداران جمعیت

( POPULATIONIST )

که معتقد بودند افزایش جمعیت باعث  
ازد یاد مقدار تولید میگردد و بالنتیجه

از ازدیاد جمعیت و تنگی معیشت نباید

تسریع گردد

گنیم که نظریه مالتوس مبنی بر این مقدمه است که

فانون توالد و تناسل بر بشر + + + + + نگارش انای سیروس ارجمنده + + + + + مخالف جمعیت بودند  
حکومت میکند و این عمل که فرضا که شما همگی تارک دنیا شوید باز هم رعایای بدی ( ANTIPOPULATIONIST )  
مقتضی ازدیاد موالید است هستند زیرا برای سراسر ملت روم سرمشق بدی خواهد بود ( - STE. )  
سبب خواهد شد روزی ایستاد بود و ممکن است آنها هم قارک دنیا شوند و بالاخره تناسل  
که دیگر جهانرا جانش نمایند ماقطع شود اوگوست ( امپراطور روم ) بدی بختی جوامع میشوند

از این نکته نباید غافل بود که فانون گذاران در کشور  
های مختلف مقررات مربوط به تغلیل و تزیید افراد را  
یا در نظر گرفتن کیفیت عوامل مربوطه یا در کشور وضع  
مینمودند مثلا در یونان قدم گاهی حکومت یازد ییاد  
نفوس کنند میکرد و زمانی آنها تغلیل میداد و رومیها  
که همواره در جنگ بودند و ملل مختلف را از بین می  
بردند بتدریج خودشان نیز از بین رفتند و مانند  
شمشیریکه اگر پیوسته در کار باشد رفته رفته از خود آن  
نیز کاستمیشود در جاهت نفوس گردیدند بدی بنجهت  
مقررات مخصوصی وضع کردند کما هالی رایازد واج و  
توالد و تناسل تشویق میکرد حتی سزار برای کسانیکه  
در آری فرزندان زیاد بودند جوایز خاصی میدین کرد  
اوگوست نیز در اینصورت توانین سختتری وضع نمود و بر  
عکس زمانی توانین هوای تغلیل نفوس بود مثلا ارسطو در  
کتاب سیاست خود ذکر میکند در صورتیکه توانین کشور  
فروش اطفال را منع نماید یا بدی شماره فرزندان هر خانواده  
محدود باشد و چنانچه شماره فرزندان آن خانواده تکمیل  
گردید باید جد از ازدیاد نفوس آن خانواده جلوگیری  
کرد در این زمینه گامی مردم را تحریر و زمانی ایشانرا  
(۲۴)

و تنگی معیشت و سختی زندگی که از کم رزق حاصل  
میشود چنان افراد را از زندگی متنفر و میزارد که  
دست از جان بشویند و یا انقلاب پردازند در حقیقت  
بیان نمود که باید یا کمال رفت از ازدیاد جمعیت  
جلوگیری کرد و بالنتیجه امراض و اتفاقات و بالاخره  
جنگ که این منظور را انجام میدهد خدمت به عالم  
انسانی مینماید و ذکر کردیم که مالتوس در زمانسی  
زندگانی میکرد که مصادف با جنگهای ناپلئون از یک  
طرف و شروع انقلابات صنعتی از طرف دیگر بود و  
بدی بنجهت وضع اقتصاد ی اروپا وضع درهم و بیچید  
داشت و فقر و بدی بختی در امن گیر اغلب خانواد گذشته  
بود و مالتوس یا تالیف کتاب خود موجد این وضعیت  
را انفراد دانست و از حکومتها رفع مسئولیت کرد  
باید دانست اگر چه مالتوس برای اولین مرتبه  
مطالعات علمی و دقیق راجع بجمعیت کرد ولی این  
موضوع از قدیم الایام مورد توجه فلاسفه و زمامداران  
و حتی پیشوایان مذهبی بود و بطور کلی از ازمینه  
قدیمه و نظریه عقیده راجع بجمعیت وجود داشت

تجدید بر میگردد تا زمان مالتوس رسید و نظریات خود را

بودند.

بیان کرد. پس از زمان مالتوس دانشمندان و محققین علوم

دلایل دیگری نیز راجع به بطلان این فرضیه در دست

اجتماعی در این موضوع به بررسی پرداختند و بطلان

است مثلا اگر نشریات دفتر بین المللی کار رجوع کنیم

عقاید او را ثابت نمودند که مآذ بلا بشری آن خواهی بود اخت

این مطلب بخوبی واضح میگردد در سنه ۱۶۵۰ م

در اطراف قانون اول بیان کردند که اصولا اطلاق

جمعیت عالم ۴۶۵ میلیون و در ۱۸۰۰ - ۸۴۰ میلیون

قانون تصاعد هندسی یا افزایش صریح نیست چه وقتی

و در ۱۹۰۰ - ۱۵۵۱ میلیون نفر بود چنانچه مشاهده

در احصائیه اول در قمتیگردد

میشود در عرض يك قرن یعنی

اثری از تصاعد هندسی دیده

از ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ جمعیت

نمیشود بلکه مشاهده میشود

دنیا تقریبا دوبرابر گردید در

که یکصدی جمعیت دنیا رویمه

حالیکه مالتوس بیان کرده که در

ازد یاد میرود نه به تندی

۲۵ سال مضاعف میشود باید

فی المثل بگفته مالتوس در ۱۸

دانست که این تزیاید جمعیت

میلادی جمعیت امریکا ۲۰ میلیون

نیز در نقاط مختلفه دنیا متفاوت

نفر بود و در صورتیکه بخواهیم مطابق نظریه مالتوس

بود مثلا جمعیت هند هلند از سال ۱۸۰۰ به بعد ۹

حساب کنیم باید در ۹۲۵ میلادی جمعیت امریکا

برابر گردد یعنی از ۲ میلیون به ۶۵ میلیون بالغ شدند

۶۴۰ میلیون باشد و حال آنکه در سنه مذکور جمعیت امریکا

و جمعیت ژاپون در عرض ۶۰ سال تا سنه ۱۹۳۰ دوبرابر

۱۰ میلیون بود و تفاوت ۱۰ و ۶۴ میلیون بسیار است

شد و به ۶۵ میلیون رسید ولی در چین اگر چه هنوز

هائری و ورژد ر کتاب خود بنام (ترقی و فقر) محاسبت

سرشماری صحیحی بعمل نیامده است ولی متخصصین

جالب توجهی میکند و می نویسد اگر مطابق این فرض

عقیده دارند که از ۱۸۵۰ بی بعد نمو جمعیت خیلی

در هر ۲۵ سال جمعیتد و برابر شود عده اول و اغلب

تم بوده و حتی برخی معتقدند که جمعیت این کشور

کنفوسیوس که همه از بیروان او بود نفیس از ۲۱۵

ثابت مانده است بطور کلی اگر در آسیا جمعیت رو

سال بعد از مرگ او باید عدد دزیر شود

بزیاید است ولی در افریقا یادقت در احصائیه در

۸۵۹۵۰۹۱۹۳۱۰۶۷۰۹۶۷۰۱۹۶۷۰

فاصله سالهای ۱۶۵۰ - ۱۸۰۰ میلادی عده

۱۹۸۷۱۰۵۲۸

افراد روینکاهش رفته و از صد میلیون به نود میلیون نفر

و حال آنکه بجای این رقم غیر قابل تصور و یا قبول اینکه

تقلیل یافته است

در اثر نصایح کنفوسیوس پیروانش هیچ احتیاطی در امر

از ۱۹۰۰ بی بعد مخصوصا پس از جنگ بین الملل این

توالد و تناسل نداشته اند ۲۱۵۰۰ سال پس از فوتش

تراحد نیز رو بنقصان گذاشت مثلا در انگلستان که

در زمان سلطنت کانگی عدد مذکور فقط ۲۲ هزار نفر

در فاصله ۱۸۲۰ الی ۱۹۰۰ از دیاد جمعیت

از دیاد جمعیت در حدود ۱۰ د ر هزار بود مرتباً از ۱۹۰۰ بیعد تنزل یافت و در فاصله ۱۹۲۰ - ۱۹۳۰ به ۵ د ر هزار رسید در آلمان نیز در این دوره از ده د ر هزار به ۷ د ر هزار کاهش یافت . نکته مهمی که باید متذکر بود این است که نیول اینکه بنسایر نظریه مالتوس جمعیت کره ارض در آن زمان زیاد تر و فایل ملاحظه تر از ازمه قدیم است - امر مسلم و مطمئن نیست و فرضی و احتمالی است کاوشهای جدید و وسایحهای عده بدیه باعث کشف علائق گردید که حکایت از جمعیتهای کثیری در ازنقه قدیم مینماید . هوگو فینیک در یادداشتها خود در ۱۸۷۰ مینویسد " در هیچ شهری و کشوری حتی زمینی نمیتوان یافت که هنگام کندن و کاوش آن قطعاتی از ظروف سفالی و آلاتی از سنگ چخماق یافت نشود و بالاخره میتوان نتیجه گرفت که جمعیت آن در آن موقع همان قدر کثیر بوده است که امروز در نواحی پر جمعیت اروپا مشاهده میشود ."

اگر امروز جمعیت امریکا رو با افزایش میسرود ولی در قدیم در آن جمعیت زیادتری ساکن بوده اند - هنگام کشف امریکای جنوبی تنها کشور " پرو " را جمعیتی بود که از تمام جمعیت کنونی امریکای جنوبی بیشتر بود و این خود میرساند که مقارن کشف امریکا جمعیت در آن نقطه رویزوال گذاشته بود اکنون در امریکای مرکزی و جنگلهای مناطق حاره آن آثار شهرهای بزرگ و تمدنهای مهمی دیده میشود که مقارن هجیم اسپانیولیاها ازین رفته است بطوریکه مورخین نوشته اند هنگام فتح کشور پرو اسپانیولیاها

در حدود ده هزار نفر از اهالی انجا را کسه بدون اسلحه در مقابل ایشان به جنگ پرداختند کشتند و در کشور مکزیک ۶۷ هزار نفر در اثر جنگ و ۵۰ هزار د ر اثر بیماری پهلاکت رسیدند اگرچه ممکن است که این ارتام میالغه امیز باشد - ولی حکایت از کثرت جمعیت در آن سرزمین میکند در افریقا در حوالی رود نیل در قدیم جمعیتی زیاد تر از آنچه اکنون ساکنند وجود داشته است البته نباید سوء تفاهم کرد که چه در ابتدا ای عالم البته جمعیت کم بوده است ولی در همه اعصار بیک اندازه نبوده و همیشه عده افراد در آن زیاد نبوده است بلکه در بعضی نقاط این شماره فزونی و در بعضی نقاط دیگر تقلیل مییافته است و این خود نشان میدهد که فرضیه مالتوس که بیان میکند در هر ۲۵ سال جمعیت دو برابر میشود صحیح نیست . امروزه متخصصین یا تحقیقاتی که کرده اند توانسته اند جمعیت کشور را پیش بینی نمایند و تخییرات طبیعی جمعیت را از روی میزان تولد و تناسل و مرگ و میر حساب کنند یعنی تعداد متولدین را محاسبه نموده و با در نظر گرفتن مرگ افراد عددی بدست میآورند اگر این عدد مساوی واحد گردد جمعیت نامدتی ثابت خواهد بود و اگر کوچکتر از واحد شود جمعیت رو با کاهش و اگر بزرگتر از واحد گردد جمعیت رو با افزایش خواهد رفت - طبق آمارد قیاسی که در فاصله سالهای ۱۹۲۹ - ۱۹۳۱ از کشورهای مختلفه بدست آمده است میتوان مبالغه را بدست طیفسه تقسیم کرد .

در ستاول کشورهای هستند مانند ایتالیا پرتغال

از دیاد جمعیت در حدود ۱۰ د ر هزار بود مرتباً از ۱۹۰۰ بیعد تنزل یافت و در فاصله ۱۹۲۰ - ۱۹۳۰ به ۵ د ر هزار رسید در آلمان نیز در این دوره از ده د ر هزار به ۷ د ر هزار کاهش یافت . نکته مهمی که باید متذکر بود این است که نیول اینکه بنسایر نظریه مالتوس جمعیت کره ارض در آن زمان زیاد تر و فایل ملاحظه تر از ازمه قدیم است - امر مسلم و مطمئن نیست و فرضی و احتمالی است کاوشهای جدید و وسایحهای عده بدیه باعث کشف علائق گردید که حکایت از جمعیتهای کثیری در ازنقه قدیم مینماید . هوگو فینیک در یادداشتها خود در ۱۸۷۰ مینویسد " در هیچ شهری و کشوری حتی زمینی نمیتوان یافت که هنگام کندن و کاوش آن قطعاتی از ظروف سفالی و آلاتی از سنگ چخماق یافت نشود و بالاخره میتوان نتیجه گرفت که جمعیت آن در آن موقع همان قدر کثیر بوده است که امروز در نواحی پر جمعیت اروپا مشاهده میشود ."

اگر امروز جمعیت امریکا رو با افزایش میسرود ولی در قدیم در آن جمعیت زیادتری ساکن بوده اند - هنگام کشف امریکای جنوبی تنها کشور " پرو " را جمعیتی بود که از تمام جمعیت کنونی امریکای جنوبی بیشتر بود و این خود میرساند که مقارن کشف امریکا جمعیت در آن نقطه رویزوال گذاشته بود اکنون در امریکای مرکزی و جنگلهای مناطق حاره آن آثار شهرهای بزرگ و تمدنهای مهمی دیده میشود که مقارن هجیم اسپانیولیاها ازین رفته است بطوریکه مورخین نوشته اند هنگام فتح کشور پرو اسپانیولیاها

کانادا هلند و آفریقای جنوبی که جمعیت آن تا مدت کوتاهی ثابت ولی بزودی شروع به نقصان خواهد کرد . طبقه دوم آنهایی هستند که جمعیت آنان روز بروز کم خواهد شد آلمان و فرانسه و سوئیس انگلستان و امریکای شمالی از این قبیلند . دسته سوم کشورهای چوچون روسیه و ژاپن است که عده افراد آن روز بروز زیاد خواهد یافت . پس چنانچه مشاهده گشت قانون اول مالتوس صحیح نبوده و اطلاق تصاعد هندسی بر افزایش جمعیت درست نیست قانون دوم مالتوس صحیح نبوده و تزاید ارزاق چنانچه او مذکور داشته است درست نمیباشد و برعکس د اثره ارزاق بسیار وسیع است و -- تحمل توسعه زیادی را دارد . البته این مطلب

واضح است که از یک زمین واحد معینی میتوان حاصل برداشت ولی آن حدی که مالتوس در نظر میگردد نایل قبول نیست و در اثر ترقی صنعت و اکتشافات مهمه علمی این حد در تغییر و تبدیل است . ارتباطات بسیار سهل از یکطرف و -- استفاده از علوم مخصوصا شیمی در کشاورزی از طرف دیگر سبب گردیده است که این حد پست تر ترقی کند و مواد غذایی روز بروز زیاد تر شود اگر بنشریات دفتر بین المللی کار در این مورد رجوع کنیم مشاهده میکنیم که اگر چنانچه در ابتدای این مقاله گفتیم در ظرف یک قرن جمعیت عالم به و برابر شود ولی در عرض ۶۰ سال از ۱۸۵۰-۱۹۱۰ قدرت تولید ۶۰ برابر گردیده

رئیس جمهور چکسلواکی

\*\*\*\*\*  
+ شهباشات مستشرقین؟ +  
\*\*\*\*\*

بنام ادوارد بنش

"من از بد و مسافرت خود بلندن در ماه ژوئیه ۱۹۱۱ که برای اشتراک ترا ولین کنگره اسب دوانسی به آنصوب عزیمت نمودم وندای امر بهائی و خلاصه تعالیم صلح آمیزش بسمم رسید تا حال انرا (دیانت بهائی را) با علاقه مفراط خود تجوی نمودم . در ایام حرب و بعد از آن همواره مورد مطالعه من بود این تعلیم یکی از قوای روحانیه است که مخصوصا در این لوان نهایت لزوم را دارد و در طریق محاربه بر علیه قوای مادی صرف شود و قبل از هر چیز اثرات مفید روحانی بگذارد . تعلیم بهائی بالمآل یکی از ادوات بزرگ فتح و نیرووری روح است و کافل سعادت و نجات جامعه میباشد ."

یقلسم ما زاریک رئیس جمهور سابق چکسلواکی

"بکار خویش ادامه دهید در نشر این تعالیم نوع پرورانه بکشید و منتظر نشوید که سیاسیون عالم را اصلاح نمایند سیاسیون بهتبهائی قادر بر استقرار صلح و سلام نیستند ولی مهم است که امروزه -- رجای عالم و مصادرا امور شروع نموده اند در اطراف این تعالیم صلح آمیز بحث کنند . این تعالیم را بر حال سیاسی کلیه دارالفنسونها و سائر مدارس ابلاغ کنید و همچنین در اطراف ان -- لواحق و مقالات بنویسید زیرا بسبب قیام نفوس صلح بین المللی تحقق خواهد یافت ."

(در ضمن مصاحبه با یکی از مجریده نگاران بهائی امریکا در پراها سنه ۱۹۲۸)

(نقل از جزوه عقاید مستشرقین و اجمید بانت بهائی)

(Praha #)

از توضیح است که این ازدیاد محصول در همه جا یکسان نیست در ممالک صنعتی بسبب کثرت جمعیت و کثرت زمین محصول زراعتی به مراتب کمتر از یک منطقه کشاورزی است که با کوشش کمتری محصول فراوانتری بدست میآورند ولی در هر حال تسهیل وسائل حمل و نقل این عدم تعادل را از بین میبرد و محصول کشورهای زراعتی را به مراکز صنعتی انتقال میدهد پس با این دلایل قانون دوم - مالتوس نیز بدین میگردد روشن است که بخودی خود قانون سوم مالتوس نیز از بین میرود چه بنا بر مطالب مذکوره در فوق ازدیاد جمعیت بسبب ازدیاد تولید میشود و یکم کثرت نفوس میتواند کار را بطور کاملتری تقسیم نمود و از نتایج تقسیم کار بهتر استفاده کرد و بدین ترتیب بر مقدار تولید افراد و بالنتیجه بر ثروت افزودن میگردد و این خود بنا بر نظریه Spencer تولید تعادلی در عالم مینماید. Spencer طبیعی دان معروف انگلیسی در مورد ازدیاد جمعیت مطالعات زیادی نمود و مشاهده کرد که هر قدر موجود زنده کاملتر و دارای جنبه بزرگتری باشد مدت زندگی او طولیتر ولی تولید نسلش کمتر است فی المثل اسب و فیل و کرگدن که در طی عمر طولانی خود عدد معدودی تولید نسل میکنند و برعکس میکرهائی که در عرض مدت کوتاهی میتوانند چندین میلیون تولید نسل نمایند بزودی دچار ممت میگردند و بیش از چند دقیقه حیات ندارند بنابراین دانشمند نامیزد چنین استنتاج کرد که نوای حیوان را میتوان بدو قسمت تقسیم کرد یک قسمت نوای تولید نسل و دیگری نوای حفظ ذات

و ناگفته پیداست که این دو نسبت عکس یکدیگر را تغیر میکنند و اگر یک نوه تزیاید باید ازدیاد دیگری کاسته خواهد شد پس این موضوع را تصمیم داده نتیجه گرفت که هر قدر سطح زندگی بشر از لحاظ مادی بالا رود و ترقی کند رفاه و آسایش که از راحتی معیشت حاصل میشود بسبب بقای عمرا و میگردد و این خود از تولید نسل میگذرد. این موضوع در خانواده های امروزی بخوبی پیداست معمولاً این خانواده فقیر را ابتدا دارای جمعیت زیاد است و نتیجه این اطفال بشر رسیدند و هر یک قسمتی از مایحتاج خانواده را فراهم کردند و بالنتیجه بر ثروت آنان افزودن شد مرفه الحال و آسوده خاطر میگردند یعنی ایجاد خانواده های غنی میکنند و ما مشاهده میکنیم که خانواده های ثروتمند دارای عدد کمتری طفل میباشند و این حالت خود تولید تعادلی میکند که ازدیاد شماره افراد را بخود پایان میرساند. ضمناً باید دانست بطوریکه در عالم مدرن فرانسوی Levesse در کتاب (علل و حدود جمعیت) خود مذکور داشت که متناسبترین جمعیت را که تابع درجه ترقی صنعتی و اقتصاد میباشند محاسبه کرده است جمعیت نسبی کسره زمین فعلاً بسیار کم بود و برخلاف عقیده مالتوس اثبات میکند که تزیاید از آن بیش از نمو جمعیت میباشد و کثرت نفوس خطری ندارد و بسبب آسایش و رفاه عمومی میگردد و فی المثل اگر هم روزی جمعیت بسرعت افزایش یابد بنا بر نظریه Spencer کثرت جمعیت دارای حدی بود و ایجاد تعادل در عالم مینماید. (انتهای)

\* \* \* \* \* حکایت از حضرت \* \* \* \* \*

بسرای کودکان

عید البیاء ترجمه و نگارش حضرت اللہ زهرا

اطفال عزیز حکایتی را که در این شماره \* \* \* \* \* (۱) روز دم گذشت و شب فرارسید

میخوانید داستان حق شناس و وفاداری مرد فقیری است که بعلت همکاری و مساعدت پادشاه خود بمقام ارجمندی نائل شده است.

این حکایت را بدقت بخوانید و خودتان کمی فکر کنید که پادشاهی که بسبب اندکی لطف و مرحمت این مرد مورد حق شناسی رعایای خود واقع گردید چند ریزگ است و وظیفه وفاداری و شکر و ثنا می دهد فیالاطاف و مواهب حضرت بیاء اللہ که ما را از نعمتهای ابدی و تعالیم و دستورات سرمدی خود متنعم ساخته است. اینک داستان

در عهد سلطنت یکی از پادشاهان مرد فقیری به مناسبت شجاعت و دلوری که برای نجات پادشاه از خود پرور داده بود بمقام شریفی رسید. کم کم لطف و محبت شاه نسبت باو بیشتر شد و محلی زیبا در نزدیکی کاخ قشنگ خود بدو بخشید و عوض او نیز مراتب حق شناسی و وفاداری را نسبت بیادش مجری داشت و از هر خدمتی برای کسب رضای او دریغ نمینمود. اما در بارهان حسود طاقت نداشتند مشاهده مقام و رتبه شخص فقیری مثل او را نداشتند و همیشه ذهن شاه را در باره او تیر میساختند در یکی از روزها بشاه خیر دادند که این شخص نیمه شب که همه اهل قصر بخواب خوشخواب میروند از خواب بیدار شده و اشیاء قیمتی را از تنفس خارج و با طاق کوچکی که در گوشه حیاط واقع شده است می برد. شاه پس از مختصر تحقیق در ریافت که مطالبین در باره اومی گویند راست است

نیم شب شخصی در بهاری بعبادت معمول مرا از خواب برداشته و آهسته آهسته بسوی اطاق مخصوص روان گردید. بی خبر آنکه شاه خود برای فهمیدن مطلب شب را بیدار بود و اینک از غیب او در حرکت است. مرد در بهاری وارد اطاق خویش شد میخواست در بیدار بیند و ناگهان صدائی او را مجبور کرد که از بستن خود دری کند. شاه وارد شده باکمال تعجب چیزی جز یک ریخت خواب کهنه و چند دست لباس مندرس و از کار افتاده مشاهده نمود. پرسید معنی این کار چیست؟ من نمیفهمم چرا هر نیمه شب مانند دزدانها بدین محل میآیی؟ آیا باز نبیل خود چه چیز از قصر خارج میکنی؟

مرد باکمال احترام جواب داد: شاهنشاهی لطف و محبت اعلیحضرت بپیش از آنچه من لیاقت داشتم شامل حال شد و از فقر و بیچارگی نجاتم داد بدین جهت من هر شب که بخواب ناز رفته اند به این جا خلوت آمده بدرگاه خداوند بی نیاز دعا میکنم که میاد خطائی از من سرزنند و با عملی مرتکب شوم که خاطر شریف از آن آزرده شده و نمک شناسی مرا ثابت کند و لباسهای دهان خود را نیز همراه میآورم که وضعیت و حالت قبلی خود را فراموش ننمودم و بدانم که فقط لطف و محبت اعلیحضرت مرا بدین پایه رسانید. (انتهی)

حکایت دوم را در شماره بعد بخوانید.

یکسین تکمیلی با اهدا کتاب کمک کنید.

قسمت استبد لالی

نهنگ آشنایی

فیلم آثای اشراق خاوری

بخوانید و ملاحظه کنید که ساحران

را ماست و چا بود بد بهینا و آفتاب

و جادوگران نیز مانند موسی آبهارا بدل بخون  
کردند و عصارها را یازدها تبدیل ساختند و نظر  
باین معنی که صدور خوارق عجیبه از مدعیان باطل  
نیز ظاهر میشود خداوند نهی صریح فرموده که  
قوم اسرائیل بهیچوجه یا توالت کسانی که معجزات  
و خوارق عجیبه ظاهر میسازند و نوم رایه بت پرستی  
دعوت میکنند توجه ننمایند و دعوت آنان را قیاسول  
نکنند آیه اول یاب سیزدهم سفر تثنیه را بدقت  
بخوانید که میفرماید اگر در میان تونیس باییننده  
خواب از میان شما برخیزد و آیت یا معجزه برای شما  
ظاهر سازد و آن آیت و معجزه واقع شود و از آن تو  
را خیر داده گفت خدا یان گیری را که نمیشناس  
پیروی نمائیم و آنها را عیال کم سخنان آن نبی یا  
ببینند خواب مشغول زیرا که بهوه خدای شما شمارا  
امتحان میکند ۰۰۰۰ الی قوله و آن نبی باییننده  
خواب کشته شود زیرا که سخنان فتنه انگیز بر بهوه  
خدای شما ۰۰۰ گفته است ۰۰۰۰

جناب حاجام شما که صدق ادعای مدعی را بظهور  
معجزه و خوارق عجیبه مستند میدارید کاملاً بر  
خلاف دستور آلهی است زیرا صریحاً فرموده که  
مکن است نبی کاذب هم معجزات عجیبه بظهور  
رساند و مردم رایه بت پرستی دعوت کند و نهی  
صریح فرمود که نباید بکلام او گوش داد و در آخر  
هم زوال و فناى او را حتمی ذکر فرموده است بنا  
بر این تکلیف معلوم است و راه از جاه اشکار  
بقول شاعر:

تا هر کس نگاه کند بهشربای خویش  
دیگر خیال ملکم بین از این آیات و بیانات شافیه  
کافیست الهیه که از کتاب استدلال شد جای اعتراض  
برای کسی یاقین نمائند است زیرا این است آنچه  
خداوند در کتاب مقرر نموده هذاهو الحق و معما  
بعند الحق الا الضلال المبین ((بلال حبش ۴))  
بازار محاوره چنان گم بود که هیچکس متوجه  
بهیچ طرف نبود همه حضار کارو پار خود را  
منحصر در استماع مطالب متبادله نموده حتی از  
خوراک هم غفلت داشتند که ناگهان صدای  
مهییبی که از جنجره دلخراشس خارج میشد  
گرمس بازار مناظره را با پرودت بین منتهای خود  
تغییر داد افکار بکه کاملاً متوجه مذاکرات پیسر  
بزرگوار و حاجام بود یغتتا بر اثر چنان آواز  
جگر خراشس متوجه نقطه صدا شد این آواز  
یکی از مریدان شیخ قفاز بود که با آهنگی نا  
موزون اذان نماز میگفت و ورود وقت مختص صلوة  
ظهور را اعلان مینمود آواز مؤذن بطوری عجیب  
بود که اگر سعیدی شیرازی میشنید مطرب کوبه  
المصوت خود را که در گلستان داستان او را  
آورده در مقابل لحن مؤذن قفاز لحن داودی  
من پنداشت \* سبحان الله هر چیزی را اثر  
مخصوصی است که بی اختیار در وجود انسان  
مؤثر است آواز انسانهم از جمله عجائب است  
اگر از تالی ظریف و جنجره جمیل خارج شود به  
قول شیخ شیراز:

"سید حیات است و مفرح ذات" و اگر از جنجرنا  
 رسا و عریض آشکار گردند سوحان روح است و  
 علت حزن و اندوه فکر را مخموم کند و قلب را  
 افسرده و پژمرده سازد خدا ای متعال در قرآن  
 مجید شهادت یابین گفتار داده و در سوره  
 لقمان فرموده "ان انكر الاصوات لصوت الحمير"  
 و در مقام دیگر داود را که لحسن حسن و آواز  
 ملیح داشته یابین بیان آسمانی ستوده و فرموده  
 "وا ذکر مینا داود ذال الاید انه لو اب انبیا  
 سخرننا الجبال معه یسجن بالعیس والاشقی  
 والظیر محشورة کل له او آید" (سوره ص آیه ۱۷)  
 (۱۹ /) و نیز میفرماید "ولقد آتینا داود  
 منا فضلا یا جبال اوین معه والظیر"  
 (سوره سبا آیه ۱۰) در این آیه  
 داستان کودک خوش آواز که از حیثی هرب برآمد و  
 آوازی داد که مرغ را از طیور و آب را از جریان یا  
 میداشت بیاد آورد که سعدی در گلستان ذکر  
 کرد و اثر آنرا در حیوان بگیرد و در مقابل سنگین  
 دلی برخیزد از ارواح باطله و نفوس هابطه را هم  
 بسنجید که از مناظر زیبا و جمیل متاثر نشوند و  
 متلذذ نگردند مانند عابد شتر سوار که شترش  
 از آواز زیبا برقصاند و بود ولی در میان سخت  
 اوین اثر بود شاعر میگوید: در این آیه  
 خویش خوی و خوی آواز  
 هر یکی میسوزد بقتلها دل  
 چون که این هر دو جمع شد یکجا  
 کار صاحب دلان میبود مشکل  
 دیگری گفته:

خوی خوش و آواز خوش دارند هر يك لذتی \*  
 بنگر که چون لذت بود خوشخوی خوش آواز را  
 جمال مبارک در کتاب مستطاب اندس در ستور میفرماید  
 که آیات را یا حسن الحان تلاوت نمایند و اطفال  
 خود را تعلیم دهند که با آواز دلها آیات آلهی -  
 تلاوت گردد و در غزوه های مشارق اذکار که مخصوص  
 تلاوت آیات است با تلاوت آیات بلحن زیبا قلوب را  
 بعالم روحانی طبران دهند قوله تعالی:  
 الذین یتلون آیات الرحمن یا حسن الالحان . . .  
 صوت مؤذن ففاز مصداق ان انكر الاصوات بود که  
 جان دل را میباید نه زیبایی ظاهری داشت و  
 نه جمال باطنی گاه است که شخصی را آواز ملیح -  
 نیست ولیکن جمال باطنی او که عبارت از توجه قلبیه  
 ساحت خلاق عالمیان است آن آواز را بگوش اهل  
 راز مطبوع مینمایند و جان متوجه بعوالم آلهی باشد  
 هر چند عاری از ملاحت ظاهری هم باشد یا زائر  
 شدید در قلب صاحب نظر دارد و برعکس اگر خوانند  
 را صوت ملیح و زیبا باشد ولی جمال باطنی فاقد  
 باشد مانند جسم بیجان و بوستان در فصل خزان -  
 است بلال حیثی مؤذن رسول اکرم هر چند دارای  
 آوازی دلها و صوتی روح افزان بود ولی چون -  
 قلبش مملو از محبت الله بود و روحش آئینه جمال مظهر  
 امرالله از اینجهت حضرت رسول اکرم او را برای  
 گفتن اذان انتخاب فرمود .  
 \* در این دو شعر اندک تصرفی از طرف نگارنده  
 بعمل آمده و این نظر مقتضای مقام بوده است  
 دانشمندان خرد نگینند .



\*\*\*\*\*  
 + ا ت ه ي ا ع ال ه ي ا ه ا ب ح ف ج ل ن م ي ح م د الرضوان \*  
 +  
 \* \*\*\*\*\* \*  
 + مجلة المصور \* ( بها ثيان مصر عيد اعظم رضوان ا جشن ميگيرند ) +  
 + منطبع مصر مورخه \*  
 \* \*\*\*\*\* \*

۳۱ ۱۹۴۶ د ردیل عنوان فوق مقاله ای یا نضمام چند فقره عکس درج نموده است که پس از تنظیم و تهیه



عکس تحتانی  
 نسوان را در حین تحویل  
 آراء انتخابیه محفصل  
 روحانی بصندوق -  
 مخصوص آراء نشان  
 میدهند .  
 -----\*

عکس فوقانی  
 عید ۱۴ از  
 اماء الرحمن  
 مصر در احتفای  
 رضوان در حین  
 اصفیاء  
 مناجات .  
 -----\*

مطالب این شماره بدست ماریتد . ابتدا محض اطلاع و ایستحضار قارئین گرامی خلاصه مقاله مجله مذکور را با چاپ در فقره عکس اماء الرحمن مصر از نظر می گذرانیم :

صد سال قبل در بابت بهائیت که مومنان منتظر جمع آمدن آنهس بود با ظهور حضرت بهاء الله کما برائس الاصل بود



مسئله ارت و فیسره بمقاله خود  
خاتمه میدهند

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

معالم انسانی اعلان و ایلاغ کرد بد و او از جانب  
خداوند برای ترک تعصبات دینی و جنس و استغراب  
و حدت ادیان و ایجاد صلح و سلام و عدالت اجتماعی  
و مساوات حقوق رجال و نساء میفوت شده بود

و با وجود مصائب شدیده و بیلابی عدیده ای که از جانب  
علماء و ولایة امور پران حضرت نوار آمد و بالاخره پیوسته  
بنفی و سجن مبارکش کرد بد عده کثیری از ادیان و  
اجناس مختلفه باین امر جدهند و ظهور بد بچرودند  
و در این صد ساله دیانت بهائی در پیشانی از (۸۷)  
اقلیم از انالیم جهان نفوذ کرده و بهائیان در این  
ممالک بتاسیس و تشکله محافل و مجالس روحانی اقدام  
نموده رجالا و نساء از هر مذاهب و نژاد ی عبادت خدا  
و اطاعت احکام و تعالیم محکمه اثر محسوس و مآلوفند

فی المثل در یکی از محافل بهائیان کاهره مشاهده  
کردیم که از جمیع ملل و طوائف هندو - کلیسیایی ایرانی  
قطبی مصری - مسلم از هنری - انگلیسی - آلمانی -  
فرانسوی - تونسی و غیره باتفاق نساء خود یکسال  
الفت و صحبت و اخوت و محبت گره هم جمع شده بد ذکر  
آلهی مشغولند

سپس مجله فوق الذکر راجع بمحافل مقدسه روحانی  
انتخاب آن چنین مینگارد :  
"ویدیرالئون والا حوال الشخصیة عند البهائیین  
مجلس مؤلف من تسعة اشخاص ینتخبون من عین  
الروحوان من کل عام و تشترک المرأة فی الانتخاب  
کالرجل تما مساو بختی من المجلس بمقد رواج

البهائیین و قضا المنازعات الزوجیه و ادار مشورتهم  
الروحانیة" و س از ذکر مطالبی چند و راجع بطول  
از واج بهائیس و شرائط طلاق و روان اصطلاح و